

## بررسی حکم فقهی تعلیم و تعلم شعبده

زینب<sup>۱</sup>، زهرا قبله<sup>۲</sup>

### چکیده

شعبده از علومی است که در فقه آمده و نظرات مختلفی در مورد حکم آن بیان شده است. بحث تعلیم و تعلم در فقه از اموری است که پرداختن به آن ضرورت دارد. شعبده اگر به عناوین حرام مانند سحر ملحق شود از اعمال حرام است. هدف از پژوهش حاضر این است که با توجه به شهرت شعبده در جامعه امروز، حکم تعلیم و تعلم آن استخراج شود. بنابراین، مقاله حاضر علاوه بر مفهوم‌شناسی واژگان تعلیم، تعلم و شعبده، اقوال فقها در مورد حکم شعبده و تکسب و تعلم آن را بررسی می‌کند. همچنین اقوالی که حکم به حرمت شعبده کرده‌اند را نقد می‌کند. با نظر به اقسام شعبده و الحاق یا عدم الحاق آن به حکم سحر، حکم استحباب یا کراهت یا اباحه را می‌توان برداشت کرد، سپس با بهره‌گیری از عناوین ثانویه به حکم تماشا و تکسب آن می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** شعبده، تعلیم، تعلم، تکسب، عناوین ثانویه.

### ۱. مقدمه

شعبده مجموعه افعالی است که با به‌کارگیری قوانین طبیعی و با حرکت سریع دست، خلاف واقع را به صورت واقع جلوه می‌دهد به گونه‌ای که بیننده شگفت‌زده می‌شود. برخی کتاب‌ها در زمینه

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: fateme.zahra110@yahoo.com

۲. مربی و دبیر پژوهشی گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zahrazahra1978@gmail.com

فقه عبارتند از: کتاب کوثر فقه (۱۳۸۸) که نظرات فقها در مورد حکم فقهی شعبده را بیان می‌کند. کتاب ینابیع الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام (بی‌تا) در مورد تعلیم و تعلم شعبده و نیز تکسب آن است. اهمیت بحث تعلیم و تعلم شعبده از این نظر است که شعبده در جامعه امروز شهرت بسیاری دارد و در مراسم‌های بزرگ و برخی برنامه‌های تلویزیون به کار گرفته شده است. شعبده چون خلاف واقع را واقع نشان می‌دهد یا چیزی را به چیز دیگری تغییر می‌دهد، برخی فقها آن را از اقسام سحر می‌دانند.



## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. تعلیم

تعلیم مصدر باب تفعیل و از ماده عَلَّمَ، يُعَلِّمُ به معنای آموزش دادن است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۶۲/۲) راغب در مورد معنای لغوی تعلیم می‌نویسد: «تعلیم و اعلام از ماده علم هستند با این تفاوت که اعلام مختص به خبررسانی است و تعلیم اختصاص دارد به زیاد تکرار کردن تا در روح یادگیرنده اثر بگذارد» (وزرات الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۳۳، ۱۳/۵).

### ۲-۲. تَعَلَّمَ

تَعَلَّمَ مصدر باب تَفَعَّل و از ماده عَلَّمَ است. تَعَلَّمَ مطاوع تعلیم است. گفته می‌شود: «علم را به او آموختم پس آن را آموخت» (وزرات الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۳۳، ۱۳/۵). کسب علم، مطالعه، تحصیل، یادگیری زبان، یادگیری حقوق (معلوف، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱۵).

### ۲-۳. شَعْبَدَه

الشَّعْبَدَه و الشَّعْبَدَه هردو به یک معنا و هم‌وزن هستند. شعبده به حرکات پنهانی دست گفته می‌شود و اعمالی مانند سحر است. در برخی کتب مانند منتهی الارب شعبده را از اقسام سحر می‌دانند. در مصباح اللغه و لسان العرب آمده است که شعبده مانند سحر است که انسان چیزی را می‌بیند که حقیقت ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ۲۳۸/۱). الشَّعْوَدَةُ به معنای سرعت است. برخی گفته‌اند که خفت در هر امری را شعبده می‌گویند (ابن منظور، ۱۳۷۵، ۴۹۵/۳). شعبده

یعنی، باطل را به صورت حق نشان دادن (زبیدی، بی تا، ۳۷۴/۵). شَعُوْدَ نوعی بازی است که انسان چیزی را در مقابل چشم می بیند که حقیقت ندارد مانند سحر (فیومی، ۱۳۹۷، ۳۱۴/۱).

#### ۲-۴. عناوین ثانوی

وصف ثابت برای موضوع از نظر عوارض. (موسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۷، ۵۰/۵)

#### ۲-۵. تکسب

سود مالی یا منفعت مادی حاصل از کار، تجارت یا صنعت، درآمد کارگر یا کارفرما، کسب غیرقانونی درآمد، درآمد از کار، کسب شده، تجربه، کسب دانش، ارائه در زمان کسب درآمد. (معلوف، ۱۳۸۶، ص ۶۸۴) کسب در لغت یعنی، طلب کردن و تلاش برای به دست آوردن رزق، سودآوری، اصابت و دست یافتن (اعرافی، ۱۴۰۰، ۳۷/۱).

#### ۲-۶. تعلیم در اصطلاح

تعلیم یعنی، معلمی ذهن. متعلم را به صورت آگاهانه جهت می دهد به گونه ای که فهم آن معارفی که برای متعلم سخت است را آسان می کند و مطالب را به صورت دسته بندی شده به او تحویل میدهد به گونه ای که متعلم بتواند آسان تر آن را درک کند؛ زیرا تعلیم، آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است نه ایجاد کردن و آفریدن مقصد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۳۱/۳) تعلیم، مفهومی فرضی است که ایجاد آن از راه مشاهده رفتار یادگیرنده و تغییرات رخ داده در رفتار او فرض می شود، اما اینکه در درون او چه تغییری حاصل شده است را نمی توان مشاهده کرد و تمام چیزها شامل رفتاری است که نیاموخته است یا آموزش داده نشده و سپس روش یادگیری است (العیسوی، ۲۰۰۸، ص ۱۳۶).

#### ۲-۷. تعلم در اصطلاح

تعلم، یادگیری فرآیندی است که فرد با آن، دانش کسب می کند و شامل فعالیت های کارآموزی، موفقیت و پیشرفت می شود. روان شناسی تربیتی با این فرآیند یادگیری سروکار دارد. یادگیری تغییر در پاسخ های فردی است که تغییری دائمی است نه تغییر ناگهانی یا موقتی (العیسوی، ۲۰۰۸، ص ۱۳۵).

## ۲- ۸. عناوین ثانوی

عنوانی که در موضوع حکم اخذ می شود اگر با عوارضی است که موجب تغییر حکم می شود از آن بانام ثانوی یاد می شود مانند مردار که خوردن آن در صورت اولی یعنی، از نظر ذاتش حرام است. در مورد ثانوی یعنی، اضطرار حلال می شود. عناوین ثانوی بسیار متنوع هستند. عناوینی مانند اضطرار، ضرر، اضرار به دیگری، عسر و حرج، تقیه، مقدمه واجب یا حرام، قاعده اهم و مهم در موارد تراحم، نذر، عهد و قسم. (موسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۷، ۵۰/۵)



## ۲- ۹. تکسب

میر سید شریف جرجانی کسب به فعلی که به جلب منفعت یا دفع ضرری بیانجامد را تکسب می گوید. (اعرافی، ۱۴۰۰، ۳۷/۱)

## ۲- ۱۰. شعبده (تعاریف فقها از شعبده)

آیت الله اشکوری می گوید: «شعبده نوعی حقه بازی است که با تردستی خاصی انجام می گیرد و با انجام آن، غیرواقع به صورت واقع جلوه داده می شود». (شکوری، ۱۳۸۵، ۴۲/۵) شهید اول در کتاب دروس الشرعیه فی الفقه الامامیه الشعبده می گوید: «و هی الأفعال العجیبه المترتب علی سرعه الید بالحركه فیلتبس علی الحس» (شهید اول، ۱۴۱۷، ۱۹۲/۳). آیت الله خوبی می گوید: «المشعبذ الحاذق یشغل أذهان الناظرین بأمور و یأخذ بأبصارهم، ثم یعمل شیئا آخر بسرعه شدیدة و بحركه خفیفه، فیظهر لهم غیر ما انتظروه، فیتعجبون منه. هذا النوع هو المعروف بالشعوذ» (خوبی، ۱۴۱۷، ۲۹۰/۱). شیخ انصاری در مکاسب می گوید: «شعبده حرکت تند و سریع است به گونه ای که در اثر این حرکت، حس بینایی انسان از آن چیز منتقل به مشابه آن می شود. چنان که آتشی که به شکل دایره در چرخش است به شکل یک دایره متصل دیده می شود؛ زیرا سکون هایی که میان حرکت فاصله می اندازد ادراک نمی شود» (انصاری، ۱۳۸۷، ۴۳/۲). با مجموعه تعاریف فقها می توان گفت که شعبده از کارهای عادی و متعارف و حرکات پنهانی و سریع

دست است که عمل غیرواقعی را واقعی جلوه می‌دهد به طوری که باعث شگفتی بیننده می‌شود. در فارسی به چشم‌بندی یا تردستی معروف است.

### ۳. اقوال فقها در حکم شعبده

قول مشهور فقها حرمت آن است. مدرس تبریزی در کتاب کفایه المحصلین فرمود: «تکسب و تعلیم و تعلم شعبده حرام است» (خیابانی، ۱۳۸۰، ۴۰۷/۱). شیخ طوسی در کتاب النهایه فرمود: «تکسب از طریق شعبده و غیر آن حرام است» (شیخ طوسی، ۳۶۶/۱). این مطلب به معنای این است که اصل عمل حرام است؛ زیرا اگر حلال بود تکسب با آن حرمت نداشت (محمدی خراسانی، ۱۳۸۸، ۳۱۷/۱). آیت‌الله سیستانی در کتاب منهاج الصالحین در مورد حکم شعبده می‌فرماید: «به سبب حرکت سریعی که خارج از عرف است چیز غیرواقعی را واقعی نشان دادن در صورتی که موجب ضرر به مؤمن و مانند آن شود، حرام است» (سیستانی، بی‌تا، ۱۴/۲). فقیه ایروانی الغروی در حاشیه مکاسب محرمة می‌فرماید: «اگر فرض بشود که غرض عقلایی از آن حاصل می‌شود باطل و لهُو نیست هرچند که هر باطل و لهُوی قطعاً حرام نیست و گفته شده که لفظ سحر مشمول شعبده نمی‌شود» (الغروی، ۱۴۲۱، ۱۷۳/۱).

صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام در مورد شعبده می‌فرماید: «شعبده حرام است به دلیل اجماع منقول و محصل و به دلیل داخل شدن در باطل و اغراء و تدلیس و لهُو و غیر آنها». بنا بر برخی دلایل در مورد شعبده شاید سحر باشد. بر این اساس بیش از یک نفر شعبده را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که به حرکات سریعی که بر آن افعال عجیبی مترتب شود نسبت داده می‌شود به گونه‌ای که بر حس، تفاوت بین یک چیز و شبیه آن به دلیل سرعت انتقال از آن چیز به شبیه آن مخفی می‌دارد. گزارش ظاهری و صریح شنیده‌ام که شعبده سحر است. علاوه بر آن از برخی نیز شنیده‌ام که شعبده از اقسام سحر است». استاد بعد از حکم به اینکه در شعبده قبح بیشتری از لهُو و لعب است و پرداختن به آن از بزرگ‌ترین لهُو است، فرمود: «بعید نیست که بگوییم تمام کارهای عجیب و غریب که بر اساس علل پنهان است حرام است و از جمله می‌توان به شهید و مقداد السیمیه اشاره کرد که

شعبده به دلیل تأثیرگذاری بر چیز دیگری ایجاد خیالاتی در حس است که وجود ندارد و شاید شعبده از سحر و مانند آن باشد» (جواهری، ۱۳۶۲، ۹۴/۲۲). آیت‌الله جواد تبریزی در کتاب ارشاد الطالب در عدم حرمت شعبده می‌فرماید: «در حرام بودن شعبده مانعی است و آن جایی است که دلیلی بر حرمت مطلق لهو نداریم و همچنین شعبده‌ای که داخل در لهو باشد، حرام است. شعبده ایجاد کردن چیزی با اسباب عادی است، اما این ایجاد سریع است و سریع بودن باعث می‌شود که وجود آن چیز بدون سبب، عادی فرض شود» (تبریزی، ۱۳۸۰، ۱۹۸/۱).

آیت‌الله الیاس شکوری در کتاب فقرات فقهیه در مورد تکسب با شعبده می‌فرماید: «شعبده و کهانه حرام است چه به عنوان تکسب باشند و درمقابل آنها اجرت و مزد پرداخت و دریافت شود و چه به عنوان تکسب نباشند و درمقابل آنها اجرت پرداخت و دریافت شود». (شکوری، ۱۳۸۵، ۴۲/۵) موسوی قزوینی در کتاب ینایع الاحکام در مورد آموختن شعبده می‌فرماید: «اگر شعبده را جزو سحر بدانیم چون داخل در عمومیت ادله حرمت آموختن سحر می‌شود در حرمت شعبده اشکالی وجود ندارد درغیراین صورت حرمت شعبده اگر به قصد کار نباشد (صرف آموختن باشد) فوق‌العاده اشکال دارد؛ زیرا دلیلی بر حرمت آن نیافتیم و اصل، جواز را اقتضا می‌کند و تمسک به عموم قاعده حمایه الحمی اگر سیاق در حرمت باشد نه کراهت و افراط اشکال دارد. بنابراین، انصاف است که شعبده را از آن چیزی که دلیلی بر حرمتش نیست، بیاموزد و نهی از انجام کاری مستلزم نهی از آموختن آن نیست». ایشان در مورد تکسب از راه شعبده می‌فرماید: «در حرمت کسب درآمد با شعبده و گرفتن اجرت اتفاق نظر است. می‌توان از روایت نبوی «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَزَمَ شَيْئًا حَزَمَ ثَمَنَهُ» بهره برد. منظور از مطلق قیمت، عوض است و خصوصیتی برای عین ندارد (موسوی قزوینی، بی‌تا، ۳۲۲/۵).

شیخ انصاری در کتاب مکاسب برای حرمت عمل شعبده به چهار دلیل استناد کرده است: اجماع، افزون بر اینکه شعبده از موارد باطل و لهو محسوب است، دخول شعبده در عنوان سحر در روایتی که از احتجاج طبرسی است و آن روایت این سخن امام بود که فرمود: «و نوعی دیگر از سحر است که خطفه، سرعه، مخاریق و خفه است که سستی این روایت به وسیله اجماع منقول

جبران می‌شود دلالت می‌کند». تعریف علامه مجلسی در بحار به معنای تخیلات و چشم‌بندی مانند ساکن پنداشتن سرنشین کشتی خود را و متحرک پنداشتن رودخانه است که این مطلب از مطالب مربوطه در سحر است که شامل شعبده نیز می‌شود (شیخ انصاری، ۱۳۸۷، ۴۴/۲ و ۲۵). آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در کتاب اجوبه‌الاستفتائات می‌فرماید: «تعلیم و تعلم شعبده حرام است، اما بازی‌هایی که به سرعت حرکت دست و سبکی دست بستگی دارد و از انواع شعبده‌بازی نبوده، اشکالی ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۲۴/۲). آیت‌الله سید کاظم حائری در کتاب الفتاوی المنتخبه می‌فرماید: «شعبده جایز است و آن بازی که متکی به حرکت پنهانی دست است مادامی که مفسده‌ای نداشته باشد» (حائری، ۱۳۸۲، ۳۷۴/۱). آیت‌الله خویی در کتاب مصباح الفقاهه می‌فرماید: «سحر با شعبده فرق دارد و دلیلی بر حرمت شعبده نداریم مگر اینکه عناوین حرام بر آن مترتب شود» (خویی، ۱۴۱۷، ۲۹۰/۱). اگر شعبده باز اعلام کند که این کار را فقط با حرکات سریع دست انجام می‌دهد و قصد فریبکاری ندارد شعبده جایز است و از نام سحر خارج می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ۲۴۰/۱). از نظر امام راحل رحمته‌الله علیه شعبده‌بازی حرام است و ملحق به سحر است و یا از اقسام سحر است و خود عمل تردستی و تعلیم و تعلم آن حرام است. اکتساب و اخذ اجرت بر آن نیز حرمت دارد. مستند حضرت امام رحمته‌الله علیه همان اجماعات و شهرت محصله است که شهرت قدمایی در نظر ایشان حجت است (محمدی خراسانی، ۱۳۸۸، ۳۱۸/۱).

#### ۴. نقد ادله حرمت شعبده

دلایلی که برخی فقها و شیخ انصاری بر حرمت شعبده ذکر کرده‌اند رد شده است. اجماع تعبیدی نیست، بلکه احتمال دارد به سایر دلایل ذکر شده نسبت داده شده باشد. (خویی، ۱۴۱۷، ۲۹۸/۱) کاشف از رأی معصوم نیست و بنابر برداشت‌های دیگر در این مسئله، مجمعی به آن استناد کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ۲۳۹/۱). بنابر دلیل صغری: «شعبده لهو و باطل است». کبری: «هر لهوی و باطلی حرام است»، پس شعبده حرام است. بر صغری و کبری این دلیل اشکال وارد می‌شود و آن این است که شعبده باطل و لهو نیست؛ زیرا ممکن است غرض عقلایی بر آن مترتب شود و نیز



نمی‌توان گفت که مطلق لهو و باطل حرام است؛ زیرا این مطلب شامل قسم خاصی است و شامل شعبده نمی‌شود. همچنین اشکالی که به روایت احتجاج وارد می‌شود که شعبده را نوعی دیگر از سحر دانست که خطفه و سرعه و مخاریق و خفه است این است که روایت ضعیف السند است (خویی، ۱۴۱۷، ۲۹۸/۱) و جبران ضعف سند به واسطه اجماع منقول قابل قبول نیست؛ زیرا خود اجماع منقول حجت نیست (محمدی خراسانی، ۱۳۸۸، ۳۱۸/۱). بنابر برخی تعاریف از جمله تعریف علامه مجلسی که شعبده را از مصادیق سحر می‌داند اشکال وارد می‌شود که شعبده از محدوده سحر موضوعات خارج می‌شود و سحر بر آن صدق نمی‌کند (خویی، ۱۴۱۷، ۲۹۸/۱).

بنابر دیدگاه برگزیده از نظر موضوعی و حکمی، شعبده مصداق سحر نیست. از نظر موضوعی، مفهوم سحر شامل شعبده نمی‌شود؛ زیرا شعبده استفاده از برخی قوانین طبیعی است که بیننده تصور می‌کند تغییری در شیء یا عالم مادی صورت گرفته است در حالی که چنین نیست. این عمل طبیعی با سرعت بالای دست انجام می‌گیرد و با مکتبی که قابل درک نیست چیزی را مخفی می‌کند و چیز دیگری را آشکار می‌کند، اما سحر یک سری قوانین غیرطبیعی است که با استفاده از شیوه‌های غیرعادی در خیال دیگران تصرف می‌شود. علاوه بر عدم صدق سحر بر شعبده‌بازی از نظر مفهومی، از نظر حکمی نیز در حکم سحر نیست؛ زیرا الغای خصوصیت و تنقیح مناط ممکن نیست. در سحر، قوانین مخفی و غیرطبیعی است که باطلی را به جای حق نشان می‌دهد. در سحر باید سه محور انجام کار خارق‌العاده باروش غیرعادی و ارائه باطل به صورت حق با هم باشد، ولی شعبده استفاده از یک سری قوانین طبیعی است و برخی محورهایی که در تعریف سحر است در شعبده موجود نیست، پس ملاک هر دو یکی نیست و شعبده‌بازی اشکال ندارد و حرام نیست (اعرافی، ۱۴۰۰، ۵۴۸/۳).

## ۵. انواع شعبده‌بازی

- بیننده به طور واقعی تصور می‌کند که شعبده‌باز دستمالی را به کیبوتر تبدیل کرده است یا آتش، دایره شده است؛



-بیننده می داند آتش دایره نیست یا دستمال به کبوتر تبدیل نشده است، ولی کیفیت آن را نمی داند. به شکل اجمالی برای او روشن است که این طور نیست؛  
-بیننده از کیفیت انجام کار به تفصیل آگاه است؛ یعنی اهل فن است و ترفندی را که به کار رفته است، می داند.

مورد دوم و سوم از موارد شعبده بازی شامل حکم سحر نمی شود، اما قسم اول در صورتی که غیرواقع، واقع ارائه شود در افعال، نه در اقوالی مثل کذب اشکالی ندارد. مگر اینکه در مثل معامله بخواهد کسی را فریب دهد که در این صورت اشکال دارد. سحر از علوم غریبه است و علوم غریبه با ماوراءالطبیعه سروکار دارد و شامل حکم خاصی است. شعبده نیز استفاده از قوانین طبیعت است و اگر در آن غش، خدعه و نیرنگ و نشان دادن خلاف واقع مشمول عناوین حرام مثل سحر و حکم آن نباشد اشکالی ندارد. (اعرافی، ۱۴۰۰، ۵۵۰/۳)

#### ۶. تأثیر عناوین ثانویه در حکم شعبده

در سحر از قوانین غیرطبیعی و روش های غیرمعارفی استفاده می شود که یادگیری و کاربرد آن برای همه ممکن نیست، ولی در شعبده، قوانینی مثل استفاده از خطای باصره مطرح است که همه می توانند یاد بگیرند. شعبده از این نظر مانعی ندارد. شعبده عملی است که حکم آن به طور ذاتی اباحه است و ممکن است احکام خمسه بر آن مترتب شود. جایی که یکی از عناوین ثانویه بر آن منطبق شود یعنی، موجب اضلال، اهانت، یا اضرار شود حرام می شود. اگر شعبده لهو باشد، ممکن است کراهت داشته باشد، ولی اگر در عالم تصرف می کند و ارائه باطل به جای حق باشد حکم سحر را دارد و حرام است. اگر به خودی خود یا با واسطه، ابزاری برای کاربردهای مفید باشد، می تواند رجحان استحبابی یا وجوبی پیدا کند و اگر این عناوین نباشد حکم آن اباحه محض است. هرچند باتوجه به اینکه در بیشتر اوقات حالت لهوی دارد قول به کراهت آن بعید نیست. (اعرافی، ۱۴۰۰، ۵۵۱/۳)

## ۷. تماشای شعبده و حکم تکسب با آن

از دیدگاه قائلین به حرمت شعبده‌بازی نیز تماشای شعبده اشکال ندارد مگر اینکه مصداق شرکت در مجلس گناه باشد که حرام است یا عناوین ثانوی دیگری پیدا کند مانند اینکه بیننده شعبده بدانند که تماشای آن موجب مریضی و ضرر زدن به خودش می‌شود. براساس این قواعد ممکن است شرکت در مجلس تماشای آن حرام باشد. حکم تکسب با شعبده نیز تابع سحر بودن و حرمت آن است. اگر شعبده حرام باشد تکسب به آن نیز حرام است و اگر حرام نباشد تکسب به آن هم مانعی ندارد. (اعرافی، ۱۴۰۰، ۵۵۲/۳)



## ۸. گزاره‌های فقهی

- ملاک و حکم سحر بر شعبده صادق نیست؛ یعنی مفهوم سحر شامل شعبده نیست و شعبده‌بازی حکم سحر را ندارد؛

- شعبده‌بازی و استفاده از قوانینی مثل خطای باصره که همه می‌توانند یاد بگیرند، مانعی ندارد؛ یعنی مشمول حکم سحر نیست مگر اینکه در عالم تصرف کند و باطل را به جای حق ارائه کند که سحر و حرام است؛

- اگر شعبده‌بازی مصداق لهو و لعب باشد به طور مطلق حرام نیست، بلکه کراهت شدید دارد؛  
- اگر شعبده‌بازی ابزاری برای سرگرمی، درمان و معالجه و توسعه توانایی‌های فردی باشد رجحان پیدا می‌کند؛

- اگر شعبده‌بازی حرام باشد تکسب به آن نیز حرام است و در فرضی که اشکالی ندارد و حرام نیست تکسب به آن نیز مانعی ندارد؛

- کرامت و تصرف در دیگران چنانچه مشمول عناوین ثانویه مثل ایجاد اختلال در نظام عادی طبیعی مردم شود مطلوبیت ندارد و جایز نیست؛

- برخی اعمال عجیب و شگفت‌انگیز که با استفاده از ترکیب ابزارهای مختلف براساس اشکال هندسی و با حرکات خاصی انجام می‌گیرد چنانچه مبتنی بر ارائه باطل به جای حق و متقوم به خدعه و فریب نباشد، حرام نیست؛

- هر جا تعلم حرام باشد تعلیم نیز به همان درجه و میزان حرمت تعلم، حرام است؛  
- هرگاه تأثیرگذاری در دیگران بدون فریبکاری و بدون ارائه باطل به جای حق باشد؛ یعنی براساس قانونی واقعی صورت گیرد سحر نیست، البته اگر مضر باشد، اشکال دارد؛ زیرا اضرار به دیگران حرام است؛

- استفاده از قاعده و قانون طبیعی برای تصرف در دیگران هر چند براساس قوانین بسیار دقیق و ظریف باشد و موجب اضرار به دیگران شود سحر محسوب نمی‌شود هر چند از باب اضرار حرام است. (اعرافی، ۱۴۰۰، ۵۵۲/۳)

## ۹. نتیجه‌گیری

شعبده‌بازی یعنی، به کارگیری قوانین طبیعی و عملی که با حرکت سریع دست انجام می‌گیرد به گونه‌ای که بیننده شگفت‌زده می‌شود و تصور می‌کند در شیء یا عالم ماده تغییری صورت گرفته است. بنابراین، اگر غرض عقلایی از آن حاصل شود برای مثال سبب افزایش مهارت‌های شخص شود، باطل نیست و حکم حرام را ندارد. بنابراین، تماشا و تکسب و تعلیم و تعلم آن نیز مانعی ندارد. شعبده به خودی خود حرام نیست، اما اگر داخل در عناوین محرمه مانند سحر، تدلیس، اغراء یا ضرر به مؤمن و یا موجب فریبکاری شود و نیز با تصرف در عالم، باطلی را جای حق ارائه کند حکم سحر را دارد و حرام است. در این صورت تکسب با آن و همچنین تعلیم و تعلم شعبده نیز حکم حرمت را می‌گیرد.

## فهرست منابع

۱. الغروی، میرزا علی ایروانی (۱۴۲۱). حاشیه المکاسب المحرمه. بی‌جا: دار ذوی القربی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵). لسان العرب. بی‌جا: دار البیروت.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۴۰۰). مکاسب محرمه. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۴. انصاری، مرتضی (۱۳۸۷). ترجمه و توضیح مکاسب محرمه. قم: مؤسسه انتشارات دار العلم.

٥. تبریزی، میرزا جواد (١٤١١). ارشاد الطالب الی تعلیق علی المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٦. حائری، کاظم (١٣٨٢). الفتاوی المنتخبه. قم: دار التفسیر.
٧. خوبی، سید ابوالقاسم (١٤١٧). مصباح الفقاهه. بی جا: الانصاریه.
٨. زبیدی، مرتضی (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بی جا: دار الفکر.
٩. سیستانی، سید علی (بی تا). منهج الصالحین العبادات- المعاملات. بی جا: بی نا.
١٠. شریفی اشکوری، الیاس (١٣٨٥). فقرات الفقیهه. قم: آیت الله الیاس شریفی شکوری.
١١. طباطبایی، محمد حسین (١٣٦٣). ترجمه تفسیر المیزان. بی جا: علامه طباطبایی.
١٢. العیسوی، عبدالرحمن (٢٠٠٨). السحر و الشعوذه. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
١٣. فیومی، احمد بن محمد بن علی مقرئ (١٣٩٧). مصباح المنیر. بی جا: مؤسسه دار الهجرة.
١٤. محمدی خراسانی، علی (١٣٨٨). کوثر فقه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
١٥. مدرس تبریزی خیابانی، میرزا محمد علی (١٣٨٠). کفایه المحصلین فی تبصره احکام الدین. بی جا: بی نا.
١٦. معلوف، لویس (١٣٨٦). المنجد فی اللغة العربیه المعاصره. بی جا: ناشر استقلال.
١٧. مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٦). انوار الفقه. بی جا: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
١٨. موسوی قزوینی، سید علی (بی تا). ینایع الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. بی جا: مؤسسه نشر اسلامی.
١٩. مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی (١٣٨٧). فرهنگ فقه فارسی. بی جا: بی نا.
٢٠. نجفی، محمد حسن (١٣٦٢). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢١. وزارت الاوقاف و الشئون الاسلامیه (١٤٣٣). الموسوعه الفقیهیه. کویت: وزارت اوقاف و الشئون الاسلامیه.

